

«گفتمان پیشرفت» از منظر قرآن (ایده‌هایی برای یک مطالعه پدیدارشناسی هرمنوتیکی دینی (تاریخی، اجتماعی، مقایسه‌ای و چندفرهنگی)  
سید محمود نجاتی حسینی<sup>۱</sup>

### چکیده

قرآن کریم از حیث مطالعات قرآنی سنتی، «ام‌الکتاب» است و از منظر ادبیات و زبان مطالعات قرآنی مدرن، «سرمتن» است (arch text - این که همه متن‌های مقدس، از آن منشأ می‌گیرند). بنابراین قرآن سرمتن می‌تواند از لحاظ هرمنوتیک دینی (یعنی هرمنوتیک و معناکاوای عمیق و دقیق قرار گرفته در خدمت متن‌های دینی با نگاه الهیاتی و فلسفه دینی) به ما کمک کند تا فهمی آن‌گونه که شایسته و بایسته منویات و مندرجات و شأن متن مقدس است - از گفتمان (discourse به معنای نظام‌های معنایی زبانی که کنش - هویت‌ساز هستند و هم‌زمان در خدمت حفظ / حذف امری یا چیزی و نیز تثبیت / نفی هویتی و هستی هستند) داشته باشیم. به‌ویژه گفتمان‌های مطرح، مهم و مؤثری که محل مناقشه و منازعه تئوریک در فلسفه و علوم انسانی اجتماعی مدرن معاصر هستند. یکی از این گفتمان‌ها، به نظر نگارنده، گفتمان پیشرفت (progress و توابع و لواحق و ضمایم آن مانند تحول evolution و توسعه development و تغییر change) است.

این‌که چرا «گفتمان پیشرفت» باید گفتمان محل مناقشه و منازعه در فلسفه و علوم انسانی اجتماعی معاصر باشد، مسئله‌ای درخور تأمل است و این‌که همین گفتمان باید به‌لحاظ منطقی از منظر قرآن نیز معناکاوای و به‌صورت اولی‌تر مورد بحث واقع شود. بر این مبنا لازم است تا ایده‌های این نوشتار که برای کاویدن مسئله به‌لحاظ منطقی ضروری‌اند، به بحث گذاشته شوند. این ایده‌ها دو گانه‌اند؛ یکی «متدولوژیک» (روش‌شناختی) و دیگری «تئوریک» (نظریه‌ای).  
ایده‌های متدولوژیک مقاله حاضر، دست‌کم در دو تراز مهم، قابل طرح و بحث‌اند:  
اول: «گفتمان مطالعات قرآنی»

از این لحاظ، ایده نوشتار حاضر این است که به‌خاطر رعایت قواعد فهم چندفرهنگی، لازم است هرگونه تعبیر از مفاهیم موردنظر و مرتبط با مقوله‌های «گفتمان پیشرفت» از منظر قرآنی (دال‌ها و مدلول‌های گفتمانی)، با ارجاع به هر دو نوع گفتمان مطرح در مطالعات قرآنی یعنی مدرن (برون‌گفتمانی) و سنتی (درون‌گفتمانی) بحث شود.

دوم: تراز هرمنوتیک پدیدارشناختی متنی / پدیدارشناسی هرمنوتیکی متن مقدس  
وفق این تراز برای فهم معنای ناب، اصیل و حقیقی «گفتمان پیشرفت در قرآن» است. ما ناگزیر به تن‌دادن به دو قاعده مهم هستیم که باید هم‌زمان در پیوند با یکدیگر دیده شوند:

<sup>۱</sup>. عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی تهران مرکزی.

۱. قواعد پدیدارشناسی یا فنومنولوژی (به تعلیق در آوردن همه فهم‌ها و برداشت‌ها و تعبیر مطرح و موجود از گفتمان پیشرفت در مطالعات قرآنی، اعم از درون‌گفتمانی و برون‌گفتمانی و اجازه‌دادن به آشکارشدن ماهیت ناب و اصیل معنای پیشرفت در متن اصیل و حقیقی قرآن)؛

۲. قواعد هرمنوتیک و معناکاوی عمیق و دقیق متن مقدس (این‌که منظور و نیت مؤلف متن از پیشرفت چه بوده است و چه مخاطبانی را مدنظر داشته و چگونه معانی این مفهوم در فرمت جملات متن مقدس یعنی آیات صورت‌بندی شده است و زمینه عینی که مرتبط با مفهوم پیشرفت بوده، چگونه در بطن مفهوم پیشرفت مفصل‌بندی شده است).

ایده‌های تئوریک مقاله حاضر نیز دست‌کم در سه سویه مهم، قابل طرح و بحث‌اند:

اول. مفهوم پیشرفت، فارغ و متمایز از مباحث گفتمانی آن در قرآن، نظریه‌ای است مدرن، متعلق به فلسفه و علوم انسانی اجتماعی مدرن، لذا به لحاظ عنایت به مقتضیات مقایسه بینا فرهنگی (مطالعه هم‌زمان: شباهت‌ها، هم‌گرایی‌ها، تفاوت‌ها و واگرایی‌ها در متن فرهنگ‌ها، تمدن‌ها و جوامع یعنی بافتارهای تاریخی اجتماعی متنوع، متفاوت و گاه متضاد) ضروری است. یافته‌های حاصل از گفتمان‌کاوی پیشرفت در قرآن و نیز داده‌های موجود مرتبط با مفهوم پیشرفت در مطالعات قرآنی سنتی و مدرن با نظریات غربی مندرج در فلسفه و علوم انسانی اجتماعی مدرن توصیف مقایسه‌ای شوند؛

دوم. علاوه بر مقایسه بینا فرهنگی مفهوم پیشرفت، به شرحی که در بالا گفته شد، لازم است تا مقایسه تاریخی درون فرهنگی (مطالعه برداشت‌های مرتبط با ایده پیشرفت و توابع، ضمایم و لواحق آن در متن ادبیات تاریخ فلسفه اسلامی و تفکر تاریخی اجتماعی در اسلام عصر سنت و همچنین دانش‌های انسانی اجتماعی رایج در جهان اسلام عصر مدرنیته (سده ۱۴ هجری) مانند تاریخ، جغرافیا، سیاست، کلام، فقه و به خصوص مباحث روشنگری دینی اندیشمندان مسلمان رایج در سده بیست میلادی در خاورمیانه و شمال آفریقا) نیز انجام شود؛

سوم. تئوریک بحث این است که برحسب واریانس‌های شناختی تئوریکی که در متن «فلسفه و علوم انسانی اجتماعی» مدرن غربی متعارف موجود است، لازم است به لحاظ منطقی، این واریانس برای فهم مقایسه بینا فرهنگی ایده پیشرفت نیز به کار گرفته شود. از این لحاظ، بنا بر ضرورت، تعبیر مطرح درباره پیشرفت از منظر چند دانش تخصصی علم انسانی اجتماعی باید کاویده شود:

اول. از منظرهای «تاریخ اندیشه» و «جامعه‌شناسی تاریخی شناخت» و اینکه ایده پیشرفت چگونه از منظر شناختی در بافتار اجتماعی تکوین یافته است و چه نوع اندیشه‌ورزانی (فلاسفه، مورخان، ادیبان، متألهان، روشنفکران و دانشمندان) و چگونه و در کدام برهه‌های زمانی در پیشبرد بحث پیشرفت مؤثر بوده‌اند.

دوم. از منظرهای «جامعه‌شناسی دین» و «تاریخ ادیان» و این‌که چگونه ایده پیشرفت از منظر دینی (در نسبت با «امر قدسی و خداوند و دین‌ورزی») و در ادیان (ادیان ابراهیمی و آسیایی) نگریسته و تعریف شده است.

با این توصیفات، انتظار می‌رود ایده‌کاوی گفتمانی پیشرفت در قرآن کریم که مبتنی بر مطالعات قرآنی سنتی و مدرن است و با استفاده از مبانی روش‌شناختی و تئوریکی مجهز به پدیدارشناسی هرمنوتیکی، به صورت مقایسه‌ای چند فرهنگی صورت می‌گیرد و همچنین از مطالعات تاریخ اندیشه و جامعه‌شناسی‌های تاریخی شناختی فرهنگ و دین کمک می‌گیرد، بتواند پرتوی بر شناخت ایده پیشرفت بیفکند که چندوچون یا بودونبود و چگونگی اهمیت آن، همچنان محل نزاع، مناقشه و چالش میان اندیشه‌ورزی‌های سنتی دین‌گرا و مدرن سکولارگرا در جهان‌های غربی و اسلامی است.

باید درصدد کشف منظر ناب و اصیل قرآن کریم، این سرمتن مقدس، به ایده الهیاتی پیشرفت بود. فرض مبنایی نگارنده این است که منظر قرآنی به پیشرفته به گونه‌ای باورنکردنی و قابل تأمل، از جنس نگاه عظیم و توحیدی هستی‌شناختی - انسان‌شناختی قرآنی است که نه با برداشت‌های آن جهانی (هرچند ارزنده و قابل نقد) و به کارگرفته شده در الهیات، فلسفه، کلام و فقه اسلامی و نه با چشم‌اندازها و نظریه‌های این جهانی (البته در جای خود ارزنده و قابل تأمل و نقد) «فلسفه و علوم اجتماعی مدرن غربی» قابل مقایسه نیست!

**واژگان کلیدی:** پدیدارشناسی، هرمنوتیک، پیشرفت، گفتمان، روش‌شناسی.